

## سرچشمه‌های احادیث

سید محمدجواد شبیری\*

### چکیده

این مقاله درباره فرازی از یکی از زیارت پیامبر است که با مراجعه به دیگر زیارت‌ها و احادیث معنای آن روشن می‌شود. نویسنده، در این مقاله بر آن است تا روشن سازد که گاهی برای روشن ساختن معنای درست زیارت باید به سرچشمه آنها - که قرآن و برخی از احادیث شیعه است - مراجعه کرد. کلید واژه‌ها: زیارت پیامبر، سرچشمه احادیث، قرآن، فقه‌الحدیث.

### درآمد

سال‌ها پیش، هنگامی که نگارنده در کنار تربت پاک پیامبر گرامی اسلام 6م به قرائت زیارت مشهور آن حضرت - که از معاویة بن عمار از امام صادق 7 نقل شده - می‌پرداخت، عبارتی نامأنوس در این زیارت اندیشه وی را مشغول داشت. گفتگوهای چندی که با دوستان فاضل انجام گرفت، گره این مشکل را نگشود تا به زیارت پیامبر 6 در روز شنبه برخورد شد، این زیارت - که بسیار شبیه زیارت فوق است - راه‌حلی قابل توجه در پیش روی نهاد، ولی با بررسی‌های بیشتر این نتیجه به دست آمد که حل این مشکل در گرو توجه به سرچشمه این زیارت است. بدین ترتیب، نگارنده دریافت که روش مراجعه به احادیث مشابه - که سال‌ها با آن آشنا بوده و کارکردهای آن را در بحث‌های سندی و متنی پارها تجربه کرده بود -<sup>1</sup> باید در سایه شناخت سرچشمه حدیث پیموده گردد.

در بحث‌های حدیثی دیگر، اهمیت این امر و ابعاد آن آشکار شد و نیاز به مقاله یا مقاله‌هایی در تبیین این روش احساس گردید. مقاله حاضر نخستین مقاله از این دست است که با تکیه بر زیارت فوق و با بررسی حدیثی دیگر از حضرت سیدالشهداء 7 در صدد روشن ساختن پاره‌ای از زوایای این بحث است.

\* محقق حوزه علمیه قم.

1. به عنوان نمونه ر. ک: «درنگی در واژه تقبث در زیارت عاشورا»، مجله علوم حدیث، شماره 21، ص 48.

## آغاز سخن

در بسیاری از احادیث اهل بیت: بر تطابق احادیث با کتاب خدا و سنت پیامبر 6 تأکید شده است؛<sup>2</sup> از جمله در حدیثی از امام صادق 7 در توضیح علت عرضه احادیث بر کتاب و سنت پیامبر و مردود دانستن احادیث مخالف با این دو منبع می‌خوانیم:

فَبَا إِذَا حَدَّثْنَا قَلْنَا: قَالَ اللَّهُ - عزوجل - و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ.<sup>3</sup>

در ادامه این حدیث از امام رضا 7 نقل شده است:

فَبَا إِذَا حَدَّثْنَا، حَدَّثْنَا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُؤَافَقَةِ السَّنَةِ، إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نَحَدِّثُ، وَ لَا نَقُولُ: قَالَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ، فَيَتَنَاقَضُ كَلَامُنَا، إِن كَلَامَ آخِرِنَا مِثْلَ كَلَامِ أَوَّلِنَا، وَ كَلَامِ أَوَّلِنَا مُصَدِّقٌ لِكَلَامِ آخِرِنَا... .

مقاله حاضر، با عنایت به این گونه احادیث، در جستجوی روش یافتن سرچشمه‌های احادیث برآمده و بر اهمیت این امر در شناخت متن درست و دقیق احادیث و فهم ژرف از روایات تأکید می‌ورزد.

## نقل زیارت پیامبر 6 و اشاره به اشکال آن

در صحیحہ معا و یة بن عمار از امام صادق 7 می‌خوانیم که در کنار تربت پیامبر 6 و در بالای سر آن حضرت بگو:

[1] اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ. [2] وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِالله. [3] وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِامْتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ عِبَدْتَ اللهَ [مُخْلِصًا]، حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ، وَ اَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ اَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ وَ غَلِظْتَ عَلَيَّ الْكَافِرِيْنَ. [4] فَبَلِّغْ اللهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلٍّ الْمَكْرَمِيْنَ. [5] الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشَّرْكِ وَ الضَّلَالَةِ. [6] اَللّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِيْنَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ وَ اَنْبِيَآءِكَ الْمُرْسَلِيْنَ وَ اَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِيْنَ وَ مَنْ سَبَّحَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ اَمِيْنِكَ وَ نَجِيْكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ صَفِيْكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. [7] اَللّهُمَّ اعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ اَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيْطُهُ بِهَ الْاَوْلَادُ وَ الْاٰخِرُونَ. [8] اَللّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ: اَوَلَوْ اَنْهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوْا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوْجَدُوْا اللهَ تَوَّابًا رَحِيْمًا. [9]

۲. از جمله ر. ک: الکافی، ج 1، ص 72-96 (باب الاخذ باللسنة و شواهد الكتاب)؛ بحار الانوار، ج 2، ص 225 به بعد، باب علل اختلاف الاخبار و كيفية الجمع بينها و العمل بها... بویژه ص 225، ج 2؛ ج 3، ص 227، ج 4؛ ج 5، ص 233، ج 15، ص 235، ج 20، ص 242، ص 37 تا ص 243، ج 44، ص 244، ج 52-48، حدیث مشهور نقلین نیز به همین امر نظر دارد.

۳. رجال الکشی، ص 224، ش 401 و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 2، ص 249، ج 62.

و انى اتيت نبيك مستغفراً تائباً من ذنوبى و انى اتوجه بك الى الله ربي و ربك ليغفرلى ذنوبى.<sup>4</sup>

اشكال ما در بند سوم است؛ جار و مجرور «بالحكمة و الموعدة الحسنة» با فعل نزدیک آن «اتاك اليقين» ارتباط معنایی ندارد؛ ارتباط معنایی این عبارت با فعل «عبدت» هم چندان وثیق نیست و دشوار است که این جار و مجرور را متعلق به این فعل بدانیم. مرحوم علامه مجلسی در *مرآة العقول* در توضیح «بالحكمة» می‌فرماید:

حال عن فاعل (عبدت)، او (جاهدت)، و الاول اقرب لفظاً، والثاني معنى.<sup>5</sup>

مرحوم ملا محمدتقی مجلسی در *روضه المتقين* جار و مجرور را متعلق به «بَلَّغْتَ» دانسته است.<sup>6</sup>

مرحوم فیض کاشانی در *الوافی* جار و مجرور را متعلق به سه فعل «بَلَّغْتَ» و «نصحت» و «جاهدت» گرفته است.<sup>7</sup> ولی این سؤال مطرح است که بر فرض درستی این سخن، چرا بین فعل و متعلق آن فاصله افتاده است.

نگارنده برای پاسخ به این گونه سؤالات در جستجوی روایات مشابه برآمده، دریافت که شبیه‌ترین زیارت به این زیارت، زیارت پیامبر 6 در روز شنبه است.

### نقل زیارت پیامبر اکرم 6 در روز شنبه

مرحوم سید بن طاووس در *جمال الاسبوع* زیارتی برای پیامبر 6 در روز شنبه نقل کرده که تقریباً همین زیارت است، با چند بند افزوده. در اینجا قسمت مشترک این زیارت آورده شده، به تفاوت‌های مهم آنها اشاره می‌شود:

[1] أشهد ان لا اله الا الله لا شريك له.

[2] و أشهد أنك رسول الله و أنك محمد بن عبد الله.

[3] و أشهد أنك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل الله بالحكمة و الموعدة الحسنة و أدت الذي عليك من الحق و أنك قد روفت بالمؤمنين و غلظت على الكافرين و عديت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين.

[4] فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين.

[5] الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك و الضلال.

۴. *الكافي*، ج 4، ص 550، ح 1 (و به نقل از آن در *التهذيب*، ج 6، ص 5، ح 8؛ *وسائل الشيعة*، ج 14، ص 341، ح 19353، باب 6 از ابواب المزار، ح 1) و نظیر آن در *كمال الزيارات*، ج 3، ح 1 (و به نقل از آن در *بحار الانوار*، ج 10، ص 150، ح 17)؛ *مصباح المتعبد*، ص 709 (و به نقل از آن در *البلد الامين*، ص 276 و *مصباح الكفعمي*، ص 472).

۵. *مرآة العقول*، ج 18، ص 260.

۶. *روضه المتقين*، ج 5، ص 326.

۷. در حاشیه *الكافي*، ج 4، ص 550 این مطلب به نقل از *مرآة العقول* ذکر شده، ولی چنین مطلبی در *مرآة العقول* ذکر نشده است، بلکه در *الوافی*، ج 14 (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص 1349 آمده است، در ادامه کلام ایشان سخنی آمده که پس از این به آن اشاره خواهیم کرد.

[6] اللهم صل على محمد و آله و اجعل صلواتك و صلوات ملائكتك و انبيائك و المرسلين و عبادك الصالحين و اهل السموات و الارضين و من سبّح لك يا رب العالمين من الاولين و الاخرين على محمد عبدك و رسولك و نبيك و امينك و نجيبك و حبيبك و صفيك و صفوتك و خاصتك و خالصتك و خيرتك من خلقك.

[7] و اعطه الفضل و الفضيلة و الوسيلة و الدرجة الرفيعة و ابغثه مقاماً محموداً

يغبطه به الاكولون و الآخرون.

[8] اللهم انك قلت [وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا].

[9] الهی فقد اتيت نبيك مستغفراً تائباً من ذنوبي فصل على محمد و آله و اغفرها

لي، يا سيدنا، اتوجه بك و باهل بيتك الي الله تعالى ربك و ربي ليغفرلي.<sup>8</sup>

پس از این بندهای افزوده این زیارت آغاز می‌شود که از ذکر آن درمی‌گذریم.

#### مقایسه دو زیارت

ما در اینجا نخست به بیشتر تفاوت‌های این دو زیارت در بندهای نه‌گانه (بجز بند سوم) اشاره کرده، سپس به بند سوم - که محل اشکال است - پرداخته، راه‌حلی برای حل اشکال در این زیارت ارائه می‌دهیم.

در بند اول، در زیارت دوم، شهادت دوم ذکر نشده است.

در بند دوم، رسول‌الله به رسوله تبدیل شده است.

در بند چهارم، «افضل شرف» به اشرف تبدیل شده است که نقل زیارت دوم مأنوس‌تر است.

در بند پنجم، الضلالة به الضلال بدل شده که یا از باب نقل به معناست یا تحریف لفظی به

جهت شباهت این دو واژه در کتابت (البته این احتمال قوی‌تر به نظر می‌آید).

در بند ششم، در زیارت دوم، صلواتی در آغاز افزوده شده، واژه المقربین افتاده که ظاهراً در اصل

زیارت بوده و به جای انبیاء المرسلین، انبیاءک و المرسلین آمده که عبارت نخست بهتر به نظر می‌آید؛

عبادک الصالحین هم پس از انبیاءک آمده که صحیح‌تر است.

به جای نجیب، نجیبک آمده که یکی محرف دیگری است. در پاره‌ای از اوصاف پیامبر جابه‌جایی رخ

داده و وصف خالصتک افزوده شده که ممکن است نسخه بدل خاصتک باشد که با نسخه اصلی به متن

زیارت راه یافته است.

در بند هفتم، «الفضل و الفضيلة» افزوده شده و جابه‌جایی بین الوسيلة و

الدرجة رخ داده و به جای «الدرجة من الجنة»، الدرجة الرفيعة ذکر

شده که احتمالاً یکی از آنها تحریف لفظی دیگر به جهت شباهت آنها در کتابت است.

در بند نهم، صلواتی افزوده شده، و تعبیر «یا سیدنا» و «باهل بیتک» و «تعالی» اضافه شده است.

## مقایسه بند سوم دو زیارت

در بند سوم، یک جابه‌جایی مهم در جملات صورت گرفته است؛ جمله: «عبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين» به آخر بند منتقل شده است.

بدین ترتیب، می‌توان جار و مجرور را متعلق به فعل «جاهدت» دانست و یا آن را به هر سه فعل «بلغت» و «نصحت» و «جاهدت» مرتبط ساخت؛ بدون این‌که با مشکل فاصله افتادن بین فعل و جار و مجرور روبه‌رو شویم.

زیارت‌های مشابه دیگری وجود دارد که توجه به آنها برای حل درست این اشکال لازم است.

## زیارت مشابه سوم

مرحوم سید بن طاووس زیارت دیگری از امام صادق 7 نقل کرده که در زیارت پیامبر اکرم 6 از راه دور خوانده می‌شود و قطعات چندی از آن با قطعات زیارت بالا شباهت دارد، بویژه با سه قطعه سوم تا پنجم که در اینجا نقل می‌کنیم:

[3] اشهد يا رسول الله مع كل شاهد و اتحملها عن كل جاهد اترك قد بلغت رسالات

ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل ربك و صدعت بامرهم و احتملت الأذى في جنبه و دعوت الي سبيله بالحكمة و الموعدة الحسنة الجميلة و اذيت الحق الذي كان عليك و اترك قد روفت على المؤمنين [بالمؤمنين]<sup>9</sup> و غلظت على الكافرين و عبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين.

[4] فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين و اعلى منازل المقربين و ارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق و لا يفوقك فانق و لا يسبقك سابق و لا يطمع في ادراكك طامع.

[5] الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة و هدانا بك من الضلالة و نورنا بك من الظلمات [الظلمة]...<sup>10</sup>

این زیارت عبارتهای چندی بر زیارت مورد بحث افزوده دارد که از محل بحث ما برکنار است، نکته مهم در این زیارت، افزودن «دعوت الی سبيله» پیش از بالحكمة و الموعدة الحسنة است، و مؤخر آوردن «عبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين»؛ همچون زیارت روز شنبه.

## زیارت مشابه چهارم

مرحوم علامه مجلسی، پس از نقل زیارتی از پیامبر 6 - که پس از این نقل خواهیم کرد (زیارت مشابه پنجم) - اشاره می‌کند که در «نسخة قديمة من مؤلفات بعض اصحابنا» این زیارت را با اختلاف

بسیار نقل کرده است. وی سپس به نقل این زیارت پرداخته است. در این زیارت هم تعابیر زیارت مورد

۹. در بحار الانوار «قد روفت بالمؤمنين» ذکر شده است که همین امر صحیح به نظر می‌آید، این قطعه از آیه شریفه «الَّذِي جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» [سوره توبه، آیه 128] برگرفته شده است.

۱۰. اقبال، ص 604 و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 100، ص 183.

بحث، با زیادات بسیار، نقل شده است. ما برای نمونه به نقل قطعه مشابه این زیارت با بندهای سوم تا پنجم می‌پردازیم:

[3] أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَادَّيْتَ الْإِيمَانَ وَنَصَحْتَ لِمَتِّكَ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ

رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى اتَّكَأَ الْيَقِينُ وَاتَّكَأَ صَدَعْتَ بِأَمْرِ رَبِّكَ وَادَّيْتَ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ.

[4] فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ وَارْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِكَ الطَّاهِرِينَ.

[5] الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ إِلَى الْإِسْلَامِ وَمِنَ الْكُفْرِ إِلَى الْإِيمَانِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ إِلَى الْهُدَى...<sup>11</sup>

در این زیارت نیز «دعوت الی سبیل ربک» قبل از «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به جملات زیارت افزوده شده است.

### سرچشمه زیارت‌ها

همچنان که مرحوم فیض کاشانی در *الوافی* اشاره فرموده،<sup>12</sup> تعبیر مورد بحث ما برگرفته از آیه شریفه: *الدُّعَاءُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ*<sup>13</sup> است.

بی‌تردید، در عبارت روایت معاریب بن عمار افتادگی رخ داده و عبارت صحیح به شکلی است که مرحوم صدوق در *کتاب من لایحضره الفقیه* بدون انتساب به روایت آورده است. وی همین زیارت را با همین ترتیب نقل کرده و تنها پس از «حتی اتاک الیقین»، عبارت: و دعوت الی سبیل ربک را افزوده است.<sup>14</sup> با این افزوده مشکل زیارت به آسانی حل می‌گردد.

البته چنانچه جمله «عبدت الله مخلصاً حتی اتاک الیقین»؛ همچون دو زیارت مشابه دیگر (زیارت دوم و سوم)، مؤخر آورده شود، عبارت سلیس‌تر می‌گردد.

افعال دیگری هم که در این بند وارد شده، همگی ریشه قرآنی دارند؛ فعل جهاد به همراه سبیل در آیات چندی وارد شده است؛<sup>15</sup> فعل تبلیغ یا ابلاغ رسالت به همراه فعل نصیح یا مشتقات آن در چند آیه وارد شده، ولی در هیچ یک جار و مجرور «بالحکمة و الموعظة الحسنة» دیده نمی‌شود. به این چند آیه توجه فرمایید:

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ﴾<sup>16</sup>

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾<sup>17</sup>

۱۱. *بحار الانوار*، ج ۱۰۰، ص ۱۶۹.

۱۲. *الوافی*، ج ۱۴ (الجزء الثامن، القسم الثالث)، ص ۱۳۴۹.

۱۳. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۱۴. *کتاب من لایحضره الفقیه*، ج ۲، ص ۵۶۵.

۱۵. سوره بقره، آیه ۲۱۸؛ سوره نساء، آیه ۹۵؛ سوره مائده، آیه ۳۵ و ۵۴؛ سوره انفال، آیه ۷۲ و ۷۴؛ سوره توبه، آیه ۱۹ و ۲۰ و

۲۴ و ۴۱ و ۸۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۵؛ سوره ممتحنه، آیه ۱؛ سوره صف، آیه ۱۱.

۱۶. سوره اعراف، آیه ۶۲.

«قَالَ يَقُومُ لَقَدْ أْبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ»<sup>18</sup>

جمله دیگر این بند، «و عبده الله [مخلصاً] حتى اتاك اليقين» هم برگرفته از آیه «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»<sup>19</sup> است.

گفتنی است که بند سوم مورد بحث ما در دو زیارت دیگر هم وارد شده که در آنها جمله «بالحكمة و الموعدة الحسنة» ذکر نشده، لذا برای یافتن آنها باید از دیگر تعابیر این سند یاری گرفت؛ لذا تأکید بر این نکته مفید است که برای یافتن روایات مشابه نباید به یک تعبیر بسنده کرد، بلکه تعبیهای گوناگون را در کنار هم به کار گرفت تا مجموعه روایات مشابه را - که به گونه زنجیره‌ای با یکدیگر ارتباط دارند - پیدا کرد.

برای تکمیل بحث ما نقل پاره‌ای از این دو زیارت مفید است:

#### زیارت مشابه پنجم

در *مجا ر الانوار* زیارت دیگری برای پیامبر اکرم<sup>6</sup> نقل شده که به طور صریح، به روایت نسبت داده نشده است. این زیارت با زیارتی که پیش‌تر به عنوان زیارت مشابه چهارم نقل کردیم، شباهت بسیار دارد و تفاوت مهم آن دو - که در این بحث تأثیر دارد - نیامدن «بالحكمة و الموعدة الحسنة» است.

ما در اینجا به نقل بند مشابه با بند سوم زیارت مورد بحث اکتفا می‌کنیم:

اشهد انك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل الله حق جهاده  
داعياً الى طاعته زاجراً عن معصيته و انك لم تنزل بالمؤمنين رؤفاً رحيماً و على  
الكافرين غليظاً حتى اتاك اليقين.<sup>20</sup>

#### زیارت مشابه ششم

در *کامل الزیارات*، به نقل از ابراهیم بن ابی‌البلاء، از ابوالحسن<sup>7</sup> [گویا مراد امام کاظم<sup>7</sup> باشد] زیارتی برای پیامبر نقل کرده که در پاره‌ای از جملات با زیارت مورد بحث تشابه دارد؛ از جمله با بند سوم مورد بحث ما:

اشهد انك قد بلغت رسالات ربك و نصحت لامتك و جاهدت في سبيل ربك و عبده  
حتى اتاك اليقين و اذيت الذي عليك من الحق.<sup>21</sup>

نکته جالب در این زیارت و زیارت پیشین، این است که افعال دیگری که از سوی شارحان حدیث در زیارت مورد بحث ما به عنوان متعلق جار و مجرور ذکر شده‌اند، یعنی فعل «بلغت» و «نصحت»

۱۷. سوره اعراف، آیه 68.

۱۸. سوره اعراف، آیه 79.

۱۹. سوره حجر، آیه 99.

۲۰. *مجا ر الانوار*، ج 100، ص 160.

۲۱. *کامل الزیارات*، ج 3، ص 5. (و به نقل از آن در *المزار* مفید، ص 173، ج 1 و *مجا ر الانوار*، ج 100، ص 154).

و «جاهدت»، در هر دو زیارت، و فعل «عبدته» در زیارت اخیر ذکر شده، ولی جار و مجرور «بالحکمة» و الموعظة الحسنة «به همراه آنها نیست. این امر، مؤید این معناست که جار و مجرور به این افعال تعلق ندارد.

در اینجا مناسب است با نقل روایات دیگری که از آیه مورد بحث گرفته شده، خانواده بزرگ‌تری از احادیث مشابه را پیش روی خوانندگان قرار دهیم.

### روایات دیگر برگرفته از آیه 125 سوره نحل

آیه مورد نظر در بحث ما سرچشمه احادیث بسیاری بوده است. ما به پاره‌ای از این احادیث اشاره می‌کنیم. در این اقتباس‌ها جمله «بالحکمة و الموعظة الحسنة» به فعل دعا و مشتقات آن تعلق دارد.

در اینجا تذکر این نکته مفید است در احادیثی که از این آیه سیراب گشته‌اند و از تعبیر آن بهره‌مند شده‌اند، فعل جمله، به تناسب مقام، با فعل آیه تفاوت دارد. همچنین، این احادیث در آوردن سبیل و نیاوردن آن تفاوت دارند؛ کیفیت اشاره به نام خداوند هم در این احادیث یکسان نیست. نقطه اشتراک این احادیث در تعبیر «بالحکمة و الموعظة الحسنة» است، برای یافتن سرچشمه احادیث و دستیابی به احادیث هم خانواده که از یک سرچشمه سیراب شده‌اند. باید به این گونه تفاوت‌ها توجه داشت و نقطه اشتراک احادیث هم خانواده و سرچشمه قرآنی آنها را به درستی به دست آورد.

حال به برخی از احادیث برگرفته از آیه فوق اشاره می‌کنیم:

1.

الامام یحلّ حلال الله و یحرّم حرام الله... و یدعو الی سبیل ربه بالحکمة و الموعظة الحسنة و الحجّة البالغة...<sup>22</sup>

2. در زیارت امیرالمؤمنین:7

أشهد أنّک قد اقمّت الصلاة و... و جاهدت فی الله حق جهاده و دعوت الی سبیله بالحکمة و الموعظة الحسنة حتی اتاک الیقین.<sup>23</sup>

3. در زیارت سیدالشهداء:7

أشهد أنّک قد اقمّت الصلاة... و دعوت الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة.<sup>24</sup>

۲۲. الکافی، ج 1، ص 198، ح 1 (و به نقل از آن در النعیمة نعمانی، ص 218)؛ الامالی صدوق، مجلس 97، ح 1؛ عیون اخبار الرضا، ص 216، ح 1؛ کمال الدین، ص 677، ح 32؛ معانی الاخبار، ص 98، ح 2 (و به نقل از کتب صدوق در بحار الانوار، ج 25، ص 120، ح 4)؛ الاحتجاج، ج 2، ص 442؛ تحف العقول، ص 436. ۲۳. الکافی، ج 4، ص 570، ح 1 (و به نقل از آن در التهذیب، ج 6، ص 29، ح 56، و نظیر آن در بحار الانوار، ج 100، ص 293 و 325).



و نظیر آن در برخی زیارت دیگر هم آمده است.<sup>25</sup>  
شبهه این عبارت، با افزودن «و عبدت الله مخلصاً حتى اتاك اليقين» در زیارت امام عسکری 7 هم وارد شده است.<sup>26</sup>

4. در زیارت امام حسین 7 در روز عید فطر:

أشهد أنك التالي لكتاب الله و امين الله و الداعي الى الله بالحكمة و الموعظة  
الحسنة.<sup>27</sup>

5. در خطبه حضرت صدیقه طاهره 3:

اعلموا أني فاطمة و ابی محمد...، فبلغ الرسالة... داعياً الى سبيل ربه بالحكمة و  
الموعظة الحسنة...<sup>28</sup>

6. در زیارت آن حضرت:

أنا يا مولاتي بك و بابيك و بعلك و الإنمة من ولده موقن... أشهد ان الدين دينهم و  
الحكم حكمهم و انهم قد بلغوا عن الله عزوجل و دعوا الى سبيل الله بالحكمة و  
الموعظة الحسنة...<sup>29</sup>

7. در زیارت جامعه کبیره:

و دعوتم الى سبيله بالحكمة و الموعظة الحسنة...<sup>30</sup>

8. در زیارت جامعه دیگر:

فصدع بامر ربه و بلغ ما حملته و نصح لامته و جاهد في سبيل ربه و دعا اليه  
بالحكمة و الموعظة الحسنة و صبر على ما اصابه في جنبه و عبده صادقاً حتى اتاه  
اليقين...

9. در صلوات بر معصومان، در صلوات بر امام رضا:

و دعا الى سبيلك بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>31</sup>

۲۴. الکافی، ج 4، ص 574، ح 1؛ کامل الزیارات، ب 79، ح 3 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 101، ص 159).

۲۵. کامل الزیارات، ب 79، ح 6 و ذیل آن (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 101، ص 165، ح 12 و 13)؛ همان باب، ح 9 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 101، ص 166، ح 15)؛ باب 104، ح 2 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 102، ص 160)؛ بحار الانوار، ج 100، ص 325، به نقل از کتاب عتیق غسروی، ج 101، ص 261، به نقل از «نسخة قديمة من مؤلفات اصحابنا».

۲۶. بحار الانوار، ج 102، ص 67.

۲۷. البلد الامین، ص 287؛ بحار الانوار، ج 101، ص 259 و 352.

۲۸. در مصادر بسیار از جمله: الاحتجاج، ج 1، ص 259 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 29، ص 223)؛ دلائل الامامة، ص 114؛ الشافی سید مرتضی، ج 4، ص 69 (و به نقل از آن در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 16، ص 249)؛ طرائف، ج 1، ص 263؛ كشف الغمة، ج 1، ص 485.

۲۹. اقبال، ص 124 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 100، ص 199، ح 20).

۳۰. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 609، ح 3213؛ عیون اخبار الرضا 7: ج 2، ص .

۳۱. مصباح المتعجد، ص 402؛ جمال الاسبوع، ص 490 (و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 94، ص 76)، و نیز ر.ک: البلد الامین، ص 304؛ بحار الانوار، ج 102، ص 225.

القرآن امام هاد و له قائد یهدی به و يدعو اليه بالحكمة و الموعدة الحسنة.<sup>32</sup>

11. در نامه حضرت امیر 7 به محمد بن ابی‌بکر:

فأصحر لعدوك و شمر للحرب و ادع الى سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة.<sup>33</sup>

12. در وصف حضرت مهدی 4 به نقل از امام صادق 7:

قال المفضل: فما يصنع باهل مكة؟ قال: يدعوهم بالحكمة و الموعدة الحسنة.<sup>34</sup>

13. در صلوات بر پیامبر و آل وی در وصف آل آن حضرت:

و على آله مصابيح الظلام و... و سدّدوا عقود ححك بموالاتهم من والاك و معاداتهم من عاداتك و صبرهم على ما اصابهم فى محبتك و دعائهم بالحكمة و الموعدة الحسنة الى سبيلك.<sup>35</sup>

14. در دعا و صلوات بر پیامبر 6:

اللهم انّ محمداً 6 كما وصفته فى كتابك... و دعا الى سبيلك بالحكمة و الموعدة الحسنة و عبدك مخلصاً حتى اتاه اليقين...<sup>36</sup>

در روایات دیگری هم از این آیه اقتباس شده که در اکثر قریب به اتفاق آنها عبارت «بالحكمة و الموعدة الحسنة» به مشتقات «دعوة» تعلق یافته است.<sup>37</sup> در پاره‌ای از روایات هم صریحاً این آیه نقل شده است.<sup>38</sup>

۳۲. خصائص الائمة، ص 75 (و به نقل با واسطه از آن در بحار الانوار، ج 22، ص 486 ح 31).

۳۳. الفارقات، ج 1، ص 171 (و به نقل از آن در شرح ابن ابی الحديد بر نهج البلاغة، ج 6، ص 78 و بحار الانوار، ج 33، ص 556).

۳۴. الهداية الكبرى، ص 399؛ بحار الانوار، ج 53، ص 11 (لفظ متن را از بحار آورده‌ایم).

۳۵. بحار الانوار، ج 89، ص 338، ج 102، ص 318 به نقل از اصل قدیم من مؤلفات اصحابنا.

۳۶. جمال الاسبوع، ص 471 به نقل از کتاب ابن عقده درباره مشایخ شیعه (احتمالاً مراد، کتاب الرجال ابن عقده است که در آن اصحاب امام صادق 7 را جمع‌آوری کرده، و روایت هر یک را آورده است. ر.ک: رجال الطوسی، ص 17؛ الرجال علامه حلی، ص 204؛ رجال النجاشی، ص 94، ش 233) و به نقل از جمال الاسبوع در بحار الانوار، ج 90، ص 82 و به نقل از اصل قدیم من مؤلفات قدماء اصحابنا: «اخبونا احمد بن محمد بن سعید»، در بحار الانوار، ج 94، ص 43، و نیز ر.ک: بحار الانوار، ج 89، ص 336 و ج 102، ص 316.

۳۷. با عبارت: «الداعون الى سبيل الله بالحكمة و الموعدة الحسنة» بحار الانوار، ج 102، ص 187، یا «دعوت الى الله بالحكمة و الموعدة الحسنة» بحار الانوار، ج 101، ص 239 و ص 320 احتمالاً از سید مرتضی، یا «انك دعوت الى الحق و الى سبيل ربك بالحكمة و الموعدة الحسنة» بحار الانوار، ج 101، ص 268) و نیز در نامه محمد بن ابی بکر به معاویه (وقعة صفین، ص 118، و به نقل از آن در شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحديد، ج 3، ص 188، و نیز الاحتجاج، ج 1، ص 434 و به نقل از آن در بحار الانوار، ج 33، ص 576، ج 723).

۳۸. الكافي، ج 5، ص 13، ح 1 (و به نقل از آن در التهذيب، ج 6، ص 127، ج 224، وسائل الشیعة، ج 15، ص 34، ح 19949، باب 9 از ابواب جهاد العدو، ج 1، و نیز ر.ک: دعائم الاسلام، ج 1، ص 339)؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری 7، ص 527، و به نقل از آن در الاحتجاج، ج 1، ص 23 و به نقل از الاحتجاج در بحار الانوار، ج 2، ص 125، ح 2، و به نقل از تفسیر در ج 9، ص 255، ح 1 و ج 73، ص 402.

تنها در چند روایت این جار و مجرور به فعل دیگری مرتبط شده که احتمال تحریف در آنها منتفی نیست:

نخست، در زیارتی از امام حسین 7:

أشهد أنك قد اقامت الصلاة و... و جاهدت في سبيل ربيك بالحكمة و الموعظة الحسنة...<sup>39</sup>

در این زیارت - که با مورد سوم پیش گفته و زیارات مشابهی که در ذیل آن یاد شد - شباهت زیادی دارد، احتمال تحریف بسیار است.

دوم، در زیارت مبسوطی از آن حضرت 7:

أشهد أنك قد بلغت و نصحت و وفيت و جاهدت في سبيل الله بالحكمة و الموعظة الحسنة و مضيت للذي كنت عليه شهيداً [شاهداً] و مستشهداً و مشهوداً...<sup>40</sup>

احتمال تحریف در این زیارت نیز، با عنایت به زیارت‌های مشابه، جدی است.<sup>41</sup> سوم، در زیارت امام مهدی 4 که به روایت نسبت داده نشده است، در وصف آن حضرت:

الصادع بالحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>42</sup>

تکمیل پرونده احادیث برگرفته از آیه فوق

نگارنده برای یافتن احادیثی که از آیه مورد بحث برگرفته است، از تعبیر «بالحكمة و الموعظة الحسنة» و برخی تعابیر دیگر در جستجوی لفظی بهره گرفت، ولی این احتمال وجود داشت که شاید حرف جرّ بآء در پاره‌ای روایات با کلمه «الحكمة» همراه نشده باشد، لذا با جستجوی «الموعظة الحسنة» به دنبال یافتن دیگر روایات مشابه برآمد. با این جستجو دو متن زیر به دست آمد:

1. در نهج البلاغه در وصف پیامبر اکرم 6:

فبالغ في النصيحة و مضى على الطريقه و دعا الى الحكمة و الموعظة الحسنة.<sup>43</sup>

در این متن، اشکالی به خاطر می‌رسد؛ بنابر آیه قرآن، حکمت و موعظه حسنه وسیله دعوت است، نه هدف دعوت. لذا برخی از شارحان حدیث در صدد تأویل آن و هماهنگ‌سازی آن با آیه فوق برآمده‌اند:

۳۹. کامل الزیارات، ب 79، ح 12 (و به نقل از آن در مجرر الانوار، ج 101، ص 171).

۴۰. کامل الزیارات، ب 79، ح 17 (و به نقل از آن در مجرر الانوار، ج 101، ص 182).

۴۱. تعبیر «مضیت للذی كنت علیه شهیداً...» در برخی زیارات دیگر دیده می‌شود. این زیارت‌ها با زیارت مورد نظر، شباهت بسیار دارند. در این زیارت‌ها پس از «جاهدت»، عبارت «بالحكمة و الموعظة الحسنة» دیده نمی‌شود. لذا بعید نمی‌نماید که این تعبیر در این زیارت زاید باشد. ر.ک: الکافی، ج 4، ص 575، ح 2 (و به نقل از آن در التمهید، ج 6، ص 55، ح 131؛ وسائل الشیعة، ح 14، ص 490، ح 19672، کتاب الحج، ابواب المزار، ب 62، ح 1)؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 2، ص 594، ح 3199؛ کامل الزیارات، ب 79، ح 2 (و به نقل از آن در مجرر الانوار، ج 101، ص 151).

۴۲. مجرر الانوار، ج 102، ص 101.

۴۳. نهج البلاغه، خ 95؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 7، ص 66؛ مجرر الانوار، ج 18، ص 219.

ابن میثم در شرح این عبارت آورده است:

دعوته الى الحكمة و الموعدة هي دعوته الى سبيل الله بهما امتثالاً لقوله تعالى:  
﴿الدُّعَاءُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾.<sup>44</sup>

ولی احتمال وقوع تحریف در این متن را نباید از نظر دور دانست.<sup>45</sup>

2. در نامه مأمون به امام رضا 7 در وصف پیامبر 6:

فبلغ عن الله رسالته و دعا الى سبيله بما امره به من الحكمة و الموعدة الحسنة و  
المجادلة بالتي هي احسن ثم بالجهاد و الغلظة.<sup>46</sup>

در اینجا نقل روایت دیگری مفید است که در آن، در لابه لای «بالحكمة و الموعدة الحسننة»، کلمه «البالغة» افزوده شده است. لذا این متن در جستجوی عبارتی «بالحكمة و الموعدة الحسننة» به دست نمی‌آید، بلکه جستجوی ترکیبی «بالحكمة» و «الموعدة الحسننة» برای یافتن روایت کارساز است. در زیارتی جامعه خطاب به امام معصوم 7 گفته می‌شود:

... و دعوت الى الله بالحكمة البالغة و الموعدة الحسننة.

آنچه تاکنون آوردیم، درباره حدیثی بود که سرچشمه قرآنی داشت. حال، به بررسی حدیثی از حضرت سیدالشهداء 7 می‌پردازیم که در سنت ریشه دارد.

### نقل کلام حضرت امام حسین سیدالشهداء 7 و توضیح درباره مفاد آن

... انّ الناس عبيد الدنيا، و الدين لعق على سنتهم يحوطونه ما درت معايشهم، فاذا  
محصوا بالبلاء قلّ الدياتون.<sup>47</sup>

در این حدیث شریف، عبارت «الدين لعق على سنتهم» نیازمند تفسیر است. مراد از واژه لعق چیست و تناسب کاربرد آن در این عبارت کلام است؟

نگارنده، برای فهم دقیق این عبارت، به روایاتی که در آن واژه «لعق» (به همین شکل) به کار رفته مراجعه کرده، با دیدن روایات مربوط به «لعق الاصابع»،<sup>48</sup> «لعق الصحفة»،<sup>49</sup>

۴۴. شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج 2، ص 400 و نظیر آن در منهاج البراعة، ج 7، ص 114.

۴۵. محقق شوشتری در بهج الصبغة، ج 2، ص 196 در هنگام تفسیر این سخن، آن را به این شکل نقل کرده است: «و دعا الى الله بالحكمة و الموعدة الحسننة» و سپس به آیه قرآن اشاره کرده است. این متن محرف، گویا از این جهت بر قلم این محقق جاری شده که تحریف عبارت اصلی در ارتکاز ذهنی ایشان جا گرفته بوده است.

۴۶. كشف الغمة، ج 2، ص 332 (و به نقل از آن در مجار الانوار، ج 49، ص 148).

۴۷. در تحف العقول، ص 245 (و به نقل از آن در مجار الانوار، ج 87، ص 116) ایراد این سخن را در مسیر کربلا دانسته است، ولی به نقل مقتل خوارزمی، ص 337 (ر.ک: مجار الانوار، ج 44، ص 383) حضرت این کلام را خطاب به اصحاب خود در هنگام ورود به کربلا ایراد فرموده‌اند. مصدر دیگری درباره این حدیث، پس از این خواهد آمد.

۴۸. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 359، ح 4270؛ المحاسن، ج 2، ص 443 (باب لعق الاصابع)؛ المحصل، ص 485؛ دعائم الاسلام، ج 2، ص 120؛ مکرم الاخلاق، ج 1، ص 75 و 306.

«لعق القصعة»<sup>50</sup> دریافت که لعق به معنای لیسیدن است؛ چنان که ابن اثیر هم در *النهاية* به این معنا اشاره می‌کند:

**لعق الاصابع و الصفة: لطم ما عليها من اثر الطعام.**<sup>51</sup>

ولی این روایات به فهم حدیث فوق و دریافت وجه تشبیه در این حدیث کمک چندانی نکرد. در ضمن جستجو به روایاتی که در آن واژه‌های مرتبط با «لعق» به کار رفته مراجعه شد و به این عبارت از *نهج البلاغه* برخورد شد که حضرت درباره مروان بن الحکم فرموده‌اند:

ان له امرة كلقة الكلب انفه.<sup>52</sup>

شارحان *نهج البلاغه* وجه تشبیه را کوتاهی مدت حکومت مروان دانسته‌اند.<sup>53</sup> تعبیر دیگری هم در نامه آن حضرت به اهل بصره وارد شده است:

لاوقن بكم وقعة لا يكون يوم الجمل اليها الا كلقة لاق.<sup>54</sup>

ابن ابی الحدید در توضیح این عبارت گوید:

كلقة لاق مثل يضرب للشئء الحقير التافه و يروى بضم اللام و هي ما تأخذه الملقة.<sup>55</sup>

نظیر این عبارت در کلام دیگر شارحان *نهج البلاغه* هم دیده می‌شود.<sup>56</sup> روایات دیگری هم که این واژه را در برداشت، تأییدگر این معنا بود؛ از جمله در حدیثی می‌خوانیم:

فالويل الطويل لمن باع ثواب معاده بلقة لم تبق، و بلعسة لم تدم.<sup>57</sup>

و یا در روایت دیگر، در وصف دنیای بی‌ارزش ظالمان اهل بیت می‌خوانیم:

۴۹. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۷۴؛ *المعفریات*، ص ۱۶۲؛ *دعائم الاسلام*، ج ۲، ص ۱۲۰ و نیز رک: *مجار الانوار*، ج ۳۳، ص ۴۹۶، ج ۶۶، ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ *وسائل الشيعة*، ج ۲۴، ص ۳۷۱، *ابواب آداب المائدة*، باب ۶۷.

۵۰. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۱۴، ج ۱۰۰۲ / ۳۷.

۵۱. *لسان العرب*، ج ۱۰، ص ۳۳۰.

۵۲. *نهج البلاغه*، خ ۷۳ (صبحی صالح)؛ خ ۷۲ (ابن ابی الحدید)؛ خ ۶۹ (عبده).

۵۳. *اختیار مصباح السالکین*، ص ۱۸۱؛ *بهج الصباغة*، ج ۵، ص ۶۰۲ (و نیز ج ۱۰، ص ۱۸۷)؛ *پیام امام*، ج ۳، ص ۲۰۶؛ *تصنیف نهج البلاغه*، ص ۳۶۸؛ *شرح نهج البلاغه* ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۱۴۶؛ *شرح نهج البلاغه* ابن میثم بحرانی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ *شرح عبده بر نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۲۰؛ *مجار الانوار*، ج ۳۲، ص ۲۳۵؛ *تفسیر کنز الدقائق*، ج ۶، ص ۲۶۲.

۵۴. *نهج البلاغه*، کتاب ۲۹.

۵۵. *شرح ابن ابی الحدید*، ج ۱۶، ص ۴.

۵۶. *اختیار مصباح السالکین*، ص ۵۰۲؛ *حدائق الحقائق*، ج ۲، ص ۴۴۷؛ *شرح نهج البلاغه* ابن میثم، ج ۴، ص ۴۴۸؛ *شرح عبده بر نهج البلاغه*، ج ۳، ص ۴۱ (التشبيه في السهولة و سرعة الانتهاء) و...

۵۷. *الكافي*، ج ۸، ص ۴۲، ج ۸ (و به نقل از آن در *مجار الانوار*، ج ۷۷، ص ۳۶) و نیز رک: *اعلام الدين*، ص ۲۲۰؛ *مجموعه ورام*، ج ۲، ص ۴۶.

و هل هي الاكلعة الأكل و مذقة الشارب و خفقة الوسنان، ثم تلزمهم المعرات خزيًا  
في الدنيا و يوم القيامة يردون الى اشد العذاب<sup>58</sup>؟

با این همه، هنوز لطافت کلام امام 7 به درستی درک نشده بود تا به سرچشمه حدیث فوق برخورد شد.

### سرچشمه حدیث

در خطبه‌ای از *نهج البلاغه* در مذمت دنیا آمده است:

قد تصافيتم على رفض الأجل و حبّ العاجل و صار دين احدكم لعقة على لسانه.<sup>59</sup>

ابن ابی الحدید در توضیح این روایت آورده که فرزددق این سخن را از حضرت گرفته و هنگامی که از عراق آمده و حسین بن علی از وی از مردمان پرسید، در پاسخ گفت:

اما قلوبهم فمعمك، و اما سيوفهم فعليك، و الدين لعقة على السننهم، فاذا امتحصوا  
قلّ الديانون.<sup>60</sup>

در این سخن خلطی رخ داده و سخن فرزددق با سخن امام 7 در هم آمیخته است. در *کشف الغمّة* به نقل از فرزددق گوید:

حسین 7 در هنگام بازگشت از کوفه با من ملاقات کرد و گفت: ای ابا فراس، در پشت سرت چه خبر است؟ گفتم: راست بگویم؟ گفت: راستی را خواهانم. گفتم: «اما القلوب معمك، اما السيوف فمع بنی امیة، و النصر من عند الله، گفت: ما اراك الا صدقت، الناس عبيد المال، و الدين لعق على السننهم يحوطونه ما درت به معانثهم، فاذا محصوا بالبلاء قلّ الديانون».<sup>61</sup>

با وجود این خلط، سخن ابن ابی الحدید دریچه جالبی برای فهم حدیث حضرت سیدالشهداء 7 گشود. با شناخت سرچشمه این حدیث، گفتار شارحان کلام علوی<sup>62</sup> - که بسیار بیشتر از شارحان کلام سایر معصومان: هستند - شرحی بر حدیث حضرت سیدالشهداء 7 ارائه می‌دهد.

ما در اینجا به نقل کلام ابن ابی الحدید و اشاره‌ای گذرا به کلام سایر شارحان بسنده می‌کنیم: وی می‌گوید:

اصل اللعقة شيء قليل يؤخذ بالمعقة من الاتاء يصف دينهم بالانزارة و القلة كتلك اللعقة و لم يفتح بان جعله لعقة حتى جعله على السننهم فقط ای ليس في قلوبهم.<sup>63</sup>

۵۸. *الكافي*، ج ۸، ص ۳۰؛ *مجموعه ورام*، ج ۲، ص ۴۱ (و نیز ر.ک: *مجا ر الانوار*، ج ۳۴، ص ۲۳۰).  
۵۹. *نهج البلاغه*، خ ۱۱۳ (صیحی صالح)؛ خ ۱۱۲ (ابن ابی الحدید، فیض الاسلام و مؤسسه نشر اسلامی)؛ خ ۱۰۹ (عبده)، و نیز در *غرر الحکم*، ص ۱۲۳ با عبارت «قد صار دين احدكم...» قطعه‌ای از روایت آمده است.

۶۰. شرح *نهج البلاغه*، ج ۷، ص ۲۴۹.  
۶۱. *کشف الغمّة*، ج ۲، ص ۳۲، و به نقل از آن در *مجا ر الانوار*، ج ۴۴، ص ۱۹۵، ج ۹ با تحریف لعق بلغو. در مصادر دیگری هم مضمون کلام فرزددق به نقل از او (*الارشاد*، ج ۲، ص ۶۶؛ *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۱۶۵؛ *تاریخ الطبری*، ج ۳، ص ۲۹۶؛ *کشف الغمّة*، ج ۲، ص ۴۲؛ *مناقب ابن شهر آشوب*، ج ۴، ص ۹۴) یا با نسبت به دیگران (*الفتوح* ابن اعثم، ج ۵، ص ۷۷؛ *دلائل الامامة*، ص ۱۸۲؛ ر.ک: *موسوعة كلمات الامام الحسين*، ص ۳۳۶-۳۳۸ و نیز ص ۳۴۸. شبیه این کلام از امام حسن 7 در وصف اهل کوفه وارد شده است: ان قلوبهم معنا و ان سيوفهم مشهورة علينا. (*الاحتجاج*، ج ۲، ص ۷۲ و به نقل از آن در *مجا ر الانوار*، ج ۴۴، ص ۱۴۷، ج ۱۴).  
۶۲. *اختيار مصباح السالكين*، ص ۲۶۸.

از این سخن برمی‌آید که: اولاً، دین مردمان اندک و ناچیز است و ثانیاً، تنها بر سر زبان‌هایشان جاری است و به دل‌هایشان راه نیافته است. به نکته دوم، در کلام شارحان دیگر نیز اشارت رفته است.<sup>64</sup> در اینجا باید یادآور شویم که ممکن است تشبیه به جهت قلت، تنها در واژه لعقة (با تاء) باشد و نه در لعق (بدون تاء)؛ با این بیان که تاء لعقة، تاء وحدت گرفته شده، که نشانگر اندکی این فعل است.<sup>65</sup> لذا این احتمال وجود دارد که در اصل کلام حضرت سیدالشهداء نیز «لعقة» به جای لعق بوده است. در پاره‌ای مصادر نیز کلام آن حضرت به این شکل نقل شده است.

#### تذکر دو تحریف در متن احادیث

در متن کلام حضرت سیدالشهداء، در برخی کتب، به جای لعق، لغو دیده می‌شود که بی‌تردید، محرف است.<sup>66</sup> در سخن حضرت مولا نیز در برخی مصادر، «صاردين» به «مصادرين» تحریف شده است.<sup>67</sup> لذا برای یافتن روایات مشابه باید احتمال تحریف را از نظر نینداخت و به یک شکل جستجو بسنده نکرد.

#### روایتی دیگر مشابه دو روایت گذشته

در *ارشاد القلوب*، در باب 16، فی اشرط الساعة و احوالها، در ضمن خطبه‌ای از پیامبر اکرم 6 در مذمت مردمان آخرالزمان آمده:

و دین ادهم لعقة علی لسانه ان اعطی شکر و ان منع کفر.

اگر بتوان به این نقل مرسل و منفرد اعتماد کرد،<sup>68</sup> سرچشمه اصلی حدیث حضرت سیدالشهداء و حضرت امیر 8 را باید در این خطبه نبوی 6 جستجو کرد. به هر حال، این حدیث را باید در کنار دو روایت دیگر مد نظر داشت.

#### نتیجه

1. بهره‌گیری از احادیث مشابه برای دریافت متن دقیق و بی‌تحریف حدیث و فهم درست از آن باید در سایه شناخت سرچشمه حدیث صورت گیرد.

63 شرح نهج البلاغه، ج 7، ص 249 و نیز ر.ک: شرح غرر الحکم خوانساری، ج 4، ص 482.  
64 توضیح نهج البلاغه، ج 2، ص 213؛ شرح عبده بر نهج البلاغه، ج 1، ص 221؛ منهاج البراعة راوندی، ج 2، ص 9؛ شرح ابن میثم بر نهج البلاغه، ج 3، ص 92 (و به نقل از آن در منهاج البراعة خوبی، ج 8، ص 49)، در اختیار مصباح السالکین دو نکته را در یک عبارت درج کرده است: اللعقة بالضم اسم لما يأخذه الملعة مما يعلق واستعارة للاقرار بالدين باللسان و كنز به عن ضعفه و قلته، و نیز ر.ک: اعیان الشیعة، ج 8، ص 444.

65 در کتاب العین، ج 1، ص 167 آمده: «اللعقة: اسم ما تأخذه بالملعة و اللعقة: المرة الواحدة، فالمضموم اسم و المفتوح فعل مثل اللقمة و اللقمة و الاكلة و الاكلة» و در لسان العرب، ج 10، ص 330 می‌خوانیم: «اللعقة: مالعق... و اللعقة الشيء القليل منه».  
66 بحار الانوار، ج 44، ص 195، ح 9 به نقل از كشف الغمة، ولی در كشف الغمة، ج 2، ص 32 عبارت به شکل صحیح آمده است.

67 از جمله: مجمع البحرین، ج 4، ص 124؛ الامثال و الحكم، ص 346.  
68 ر.ک: بحار الانوار، ج 29، ص 46 و 65.

2. چنانچه سرچشمه حدیث قرآن کریم باشد - که متن بدون تحریف آن در اختیار ماست - تفاوت حدیث با سرچشمه آن می‌تواند ناشی از تحریف حدیث باشد. البته ممکن است حدیث با قرائتی غیرمتداول از قرآن سازگار باشد، لذا نباید هر تفاوتی را در حدیث به حساب تحریف آن نهاد.
3. ممکن است در حدیث، با الهام از آیه قرآن، عبارتی ذکر شده باشد که با آیه قرآن متفاوت باشد؛ مثلاً واژه‌ای از آیه کاسته یا بدان افزوده باشد. این تفاوت‌ها نیز نشانگر تحریف حدیث نیست و تنها در صورت غرابت متن حدیث و ناسازگاری عبارت آن با سیاق حدیث و نکاتی از این دست می‌توان با توجه به تفاوت حدیث با سرچشمه آن به محرف بودن حدیث اندیشید.
4. برای یافتن سرچشمه حدیث و دستیابی به احادیث هم‌خانواده با سرچشمه واحد باید نقطه اشتراک احتمالی احادیث را یافت و با جستجوی این نقطه اشتراک، با عنایت به تفاوت‌های احتمالی سایر عناصر موجود در کلام، به نتیجه نزدیک شد.
5. با توجه به احتمال تحریف در برخی از احادیث هم‌خانواده، نباید تنها به یک جستجو اکتفا کرد. احتمال افزایش یا کاهش در برخی احادیث هم اقتضا می‌کند که از جستجوهای متنوع بهره گرفت.
6. تشبیه احادیث مشابه به احادیث هم‌خانواده، این پیام را دربر دارد که چه بسا یک خانواده بزرگ حدیثی خود از خانواده‌های کوچک‌تری تشکیل شده باشد که هر یک سرچشمه خاص خود را داشته باشند، ولی تمامی این خانواده‌ها از یک اصل واحد و سرچشمه اصلی نشأت گرفته باشد.
7. ارتباط احادیث با یکدیگر چه بسا در یک شبکه خلاصه نگردد، بلکه شبکه‌های مختلف ارتباطی بین احادیث وجود داشته باشد که نوعی ارتباط زنجیره‌ای آنها را به یکدیگر متصل سازد. لذا ارائه یک نمودار برای خانواده احادیث میسر نیست، بلکه باید برای هر نوع شبکه نموداری ارائه داد که قهراً این نمودارها با یکدیگر تداخل دارند.
8. یافتن سرچشمه احادیث، همچون یافتن احادیث مشابه این فایده را دارد که شرح و توضیح یک حدیث به احادیث مشابه آن نیز انتقال می‌یابد، بویژه اگر سرچشمه حدیث آیات قرآن و کلام حضرت امیر 7 باشد که در تفسیر و توضیح آن کتاب‌های بسیار نگارش یافته است.
9. در کشف سرچشمه احادیث به میزان اعتبار منابع حدیثی باید توجه کافی داشت.

### کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن الحسن الطوسی (م460ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مؤسسه آل‌البیت، 1404ق.
- الاحتجاج علی أهل اللجاج، أحمد بن علی الطبرسی (م620ق)، تحقیق: ابراهیم البهادری و محمد هادی‌به، تهران: دارالأسوة، 1413ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م413ق)، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت، قم، مؤسسه آل‌البیت، 1413ق.



- *الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرة في السنة*، على بن موسى الحلّي (السيد ابن طاووس) (م664ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1414ق.
- *الأمل*، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م381ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1407ق.
- *أنساب الأشراف*، أحمد بن يحيى البلاذري (م279ق)، تحقيق: سهيل زكار ورياض زركلي، بيروت: دارالفكر، 1417ق.
- *بحار الأنوار*، محمد باقر بن محمد تقي المجلسي (العلامة المجلسي) (م1111ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، 1403ق.
- *البلد الأمين والدرع الحصين*، إبراهيم بن زين الدين الكفعمي (م905ق).
- *تاريخ الطبري (تاريخ الأمم والملوك)*، محمد بن جرير الطبري (م310ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: دارالمعارف.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، الحسن بن علي الجرائني (ابن شعبة) (م381ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1404ق.
- *تصنيف نهج البلاغة*، لبيب بيضون، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، 1408ق.
- *تهذيب التهذيب*، أحمد بن علي العسقلاني (ابن حجر) (م852ق)، تحقيق: خليل مأمون شيحا وعمر السلاحي وعلي بن مسعود، بيروت: دار المعرفة، 1417ق.
- *جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع*، على بن موسى الحلّي (ابن طاووس) (م664ق)، تحقيق: جواد القيومي، قم: مؤسسة الآفاق، 1371ش.
- *خصائص الأئمة*: (خصائص أمير المؤمنين7)، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م406ق)، تحقيق: محمد هادي الأميني، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية التابع للحضرة الرضوية المقدسة، 1406ق.
- *الخصال*، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م381ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414ق.
- *دعائم الإسلام وذكر الحلال والمحرام والقضايا والأحكام*، النعمان بن محمد التميمي المغربي (م363ق)، تحقيق: أصف بن علي أصغر فيضي، مصر: دارالمعارف، 1389ق.
- *دلائل الإمامة*، محمد بن جرير الطبري (م310ق)، تحقيق: مؤسسة البعثة، قم: مؤسسة البعثة، 1413ق.
- *رجال العلامة الحلّي (خلاصة الأقوال)*، حسين بن يوسف الحلّي (العلامة) (م726ق)، قم: منشورات الشريف الرضي.
- *الشافعي في الإمامة*، على بن الحسين الموسوي (السيد المرتضى) (م436ق)، تحقيق: عبدالزهراء الحسيني الخطيب، تهران: مؤسسة الإمام الصادق، 7، 1410ق.

- شرح نهج البلاغة، عبدالحمید بن محمد المعتزلی (ابن أبی الحدید) (م 656ق)، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار احیاء التراث، 1387ق.
- الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، علی بن موسی الحلّی (ابن طاووس) (م 664ق)، قم: مطبعة الخیام، 1400ق.
- عیون أخبار الرضا 7، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381ق)، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: منشورات جهان.
- الغارات، إبراهیم بن محمد (ابن هلال الثقفی) (م 283ق)، تحقیق: میر جلال الدین المحدث الأرموی، تهران: انجمن آثار ملی، 1395ق.
- الغیبة، محمد بن إبراهیم الکاتب النعمانی (م 350ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، تهران: مکتبة الصدوق.
- الفتوح، أحمد بن أعثم الکوفی (م 314ق)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالأضواء، 1411ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی الرازی (م 329ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، بیروت: دارصعب ودارالتعارف، 1401ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه (ابن قولویه) (م 367ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: نشر الفقاهة، 1417ق.
- کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، علی بن عیسی الیربلی (م 687ق)، تصحیح: السید هاشم الرسولی المحلاتی، بیروت: دارالکتاب، 1401ق.
- کمال الدین وتام النعمّة، محمد بن علی ابن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق) (م 381ق)، تحقیق: علی أكبر الغفّاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، 1405ق.
- مجمع البحرین، فخر الدین الطریحی (م 1085ق)، تحقیق: السید أحمد الحسینی، تهران: مکتبة نشر الثقافة الإسلامیة، 1408ق.
- المحاسن، أحمد بن محمد البرقی (م 280ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت، 1413ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (العلامة المجلسی) (م 1111ق)، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، 1370ش.
- المزار، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م 413ق)، تحقیق: محمد باقر الأبیطحی، قم: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، 1413ق.
- مصباح المتوجّه، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م 460ق)، تحقیق: علی أصغر مروارید، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، 1411ق.

- *المصباح في الأدعية والصلوات والزيارات*، إبراهيم بن علي العاملي الكفعمي (م900ق)، قم: منشورات الشريف الرضي.
- *معاني الأخبار*، محمد بن علي ابن بابويه القمي (الشيخ الصدوق) (م381ق)، تحقيق: علي أكبر الغفاري، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1361ش.
- *مقتل الحسين*، موفّق بن أحمد المكي الخوارزمي (م568ق)، تحقيق: محمد السماوي، قم: مكتبة المفيد.
- *مكارم الأخلاق*، الفضل بن الحسن الطبرسي (م548ق)، تحقيق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، 1414ق.
- *مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)*، محمد بن علي المازندراني (ابن شهر آشوب) (م588ق)، قم: المطبعة العلمية.
- *منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة*، حبيب الله بن محمد هاشم الخوئي (م1324ق)، بيروت: مؤسسة الوفاء، 1403ق.
- *نهج البلاغة*، محمد بن الحسين الموسوي (الشريف الرضي) (م406ق)، تصحيح: محمد عبده، بيروت: مؤسسة الأعلمی.
- *الوافي*، محمد محسن بن شاه مرتضى (الفيض الكاشاني) (م1091ق)، تحقيق: ضياء الدين حسين اصفهاني، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين، 7، 1406ق.
- *وسائل الشيعة*، محمد بن الحسن الحر العاملي (م1104ق)، تحقيق: مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت، 1409ق.